معنای آیه «و لتکملوا العده» طبق بیان قطب راوندی؛ لام امر

اگر ما احتمال جناب قطب راوندی را جلو بیاوریم، عبارت خیلی صاف می‌شود. مخصوصاً که دیدم روی آن عنایت نشده با «و لتکبّروا». «لتکبّروا» چیست؟ می‌گوید ما این کار را کردیم، خدا بر شما آسانی را می‌خواهد و برای اینکه عده را کامل کنید و برای اینکه «لتکبّروا الله علی ما هداکم». باز برای اینکه مسأله روزه و سفر و ... «لتکبّروا الله» که گفته اند تکبیری عید است.

شاگرد: صدر آیه دارد «شهر رمضان الذی انزل فیه القرآن هدی للناس»؛ قرآنی را نازل کردیم که مایه هدایت است. «فمن شهد منکم الشهر فلیصمه»؛ یعنی متفرع بر نزول قرآنی که مایه هدایت است، «فمن شهد» است.

استاد: «فمن» فاء دارد. الآن یادم آمد که روی این فاء بحث کردیم و مسأله نعمت وشکر را گفتم.

شاگرد: «و من کان مریضا او علی سفر فعدة من ایام اخر». ادامه که می‌دهد یعنی در این ماه مبارک به‌خاطر قرآنی که مایه هدایت است، کسی که حاضر بود روزه بگیرد، کسی که مریض یا مسافر بود «فعدة من ایام اخر». این دو حکم برای چیست؟ برای این است که یسر باشد، «و لتکبّروا الله»؛ یعنی با این عده ماه رمضان تکبیری هم بکنید. یعنی چون قرآنی نازل کردیم که در آن هدایت است، «فمن شهد». در اینجا هم «لتکبّروا علی ما هداکم»؛ یعنی چون قرآنی نازل کردیم که مایه هدایت است، با روزه گرفتن و با این روزها بزرگداشت خداوند را هم بکنید و به همراه آن شاکر نزول قرآن هم باشید. یعنی می‌تواند یک سیاق منسجم درست کرد.

استاد: ببینید لسان «فلیصمه» امر بود. چرا شما می‌گویید «لیسهل و لتکملوا»؟! چرا می‌گویید «و لتکملوا شرع»؟! با این بیانی که شما گفتید، اتفاقا با توضیح شما «و لتکملوا» عطف به «فلیصمه» است. «شهر رمضان انزل فیه القرآن هدی للناس و بینات من الهدی و الفرقان فمن»؛ حال شکرش است. «فمن شهد منکم الشهر فلیصمه و لتکملوا العده»؛ قطب راوندی گفته امر است. احتمال دارد امر باشد.

شاگرد: نمی‌خواهم بگویم با امر توضیحش غلط می‌شود. البته نسبت به امر «لعلکم تشکرون» خیلی نسبت ندارد. چون «لعلکم تشکرون» همان سیاق آن غایت ها است. این حکم را جمع کردیم و یک چیزهایی می‌خواهیم؛ یسر را می‌خواهیم، عسر را نمی‌خواهیم، اکمال عده را می‌خواهیم، تکبیری را می‌خواهیم، «لعلکم تشکرون». اگر امر باشد باید اینطور ترجمه کنیم: «باید اکمال عده کنید، باید تکبیری خدا کنید، شاید شاگر شوید».

استاد: آن شاید چون مطلب معنوی است، شبیه «كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ» [1] است.

شاگرد: در آن جا واو ندارد، ولی در اینجا «و لعلکم» دارد. یعنی این «لعلکم» شاید با آن امر تناسب نداشته باشد.

---

[1] البقره ۱۸۳

بازبینی #1
ایجاد شده 22 آوریل 2026 13:49:31 توسط ... .
به روزرسانی شده 22 آوریل 2026 13:50:23 توسط ... .